



۱۴

ارتباط آرایش ژنتیک باکتری‌های روده با بیماری‌ها

اگر به عنوان یک مدیر یا کارآفرین، مرز پاریک میان انتقاد سازنده و مخرب را شناسید ممکن است کارمندان تان را دچار رکود کنید

۷ سوال اصلی پیش از انتقاد سازنده

۱۵

سایه سیاه چادر از سر ایلام کم می‌شود؟

زندگی

یکشنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۰ شماره ۵۹۶۶



۱۶

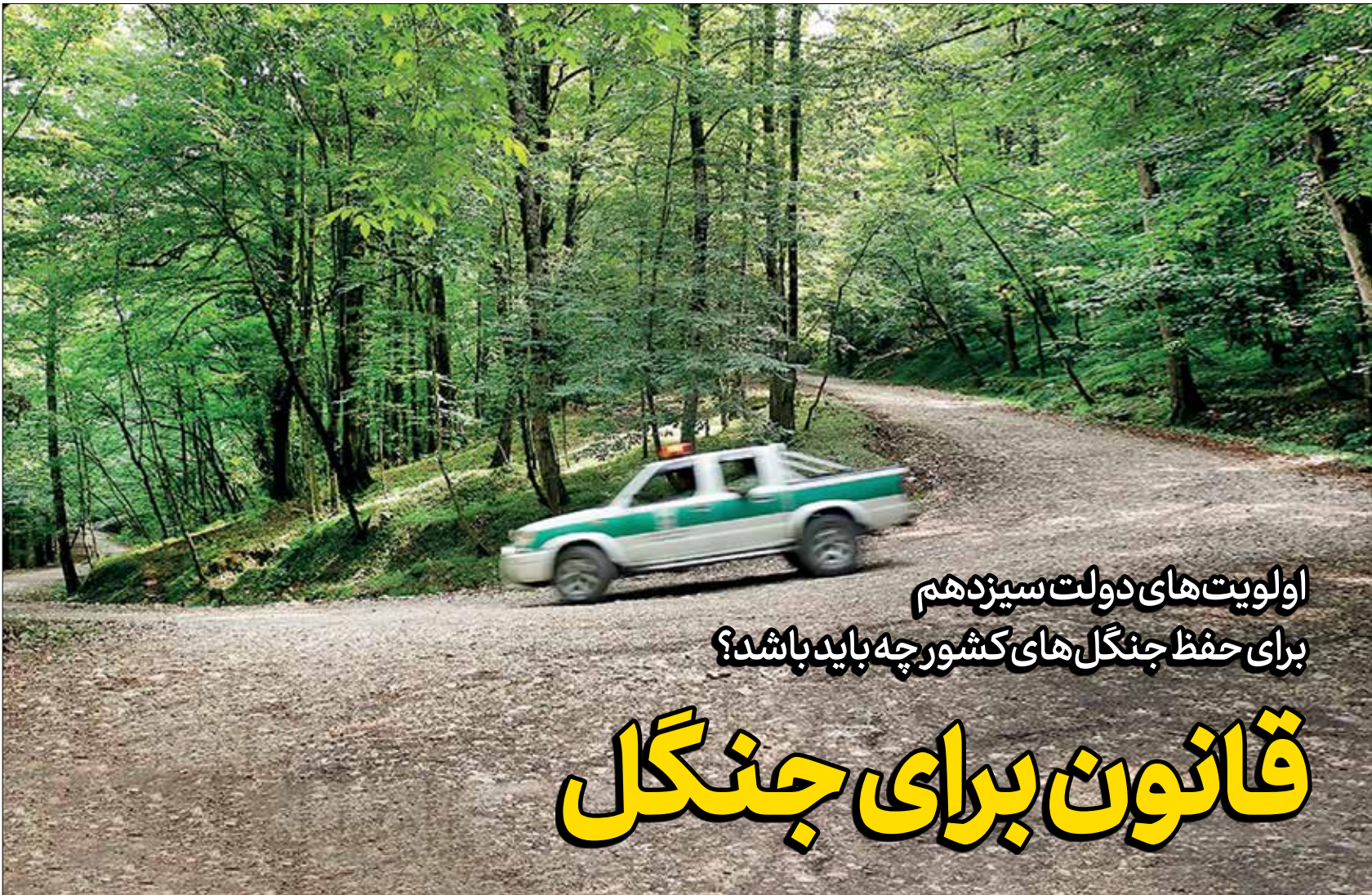
جامعه

جنگلبانان از آنجا رانده از اینجا مانده

«زیر گرفته شدن دو جنگلبانان با خودرو در بایلسر توسط یک چوب‌بر» تازه‌ترین خبری است که می‌توان از وضعیت جنگلبانان در رسانه‌ها خواند، این خبر تازگی دارد اما در برابر حوادث و مخاطراتی که جنگلبانان با آن روبه‌رو هستند اتفاقی معمولی است. کم نبوده‌اند جنگلبانانی که در برابر قاچاقچیان چوب‌جان عزیزشان را از دست داده‌اند، بسیار بوده‌اند جنگلبانانی که در برابر متصرفین زمین به شکل وحشیانه‌ای کشته شده‌اند؛ قاچاقچیان و متصرفینی که به گفته مسوولان روز به روز مسلح‌تر می‌شوند و جنگلبانانی که حالا باید با کمترین وسایل و امکانات به جنگ نابرابر این افراد بروند. این جنگ نابرابر طی چند دهه گذشته باعث شهادت تعداد قابل توجهی از جنگلبانان هم شده است. آماری رسمی از سال ۹۰ وجود دارد که حکایت از شهادت ۱۱ جنگلبان طی ۳۰ سال گذشته دارد، اما این آمار در سال ۹۶ از زبان فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری ۱۵ شهید اعلام شده و تازه‌ترین آمار حکایت از شهادت ۱۹ جنگلبان تا سال ۹۸ دارد.

نکته قابل توجه در رابطه با سختی کار جنگلبانان این است که پس از فوت هم‌مرحله دیگری از مصائب آنها آغاز می‌شود، چرا که حاکمیت هاست بر سر اطلاق عنوان شهید برای این افراد هم مشکلاتی وجود دارد و وقتی فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری از ۱۵ جنگلبان شهید حرف زد است مراد او تنها افرادی هستند که توانسته‌اند با همه خلاهای قانونی موجود نامشان در فهرست شهدا قرار بگیرد. به این مفهوم که تنها مشکل جنگلبانان در زمانه کنونی معضلات مبارزه با قاچاقچیان چوب یا شکارچیان متخلف و البته آتش‌سوزی‌های مکرر نیست و از این افراد کمترین حمایت رسمی هم صورت نمی‌گیرد. عجیب این‌که علاوه بر همه این موارد بسیاری از جنگلبانان هیچ امنیت شغلی هم ندارند! یک جنگلبان نه یک نیروی رسمی، نه نیروی قراردادی و نه نیروی پیمانی است و در واقع فعالیت جنگلبان‌ها تنها به صورت شرکتی است. بسیاری معتقدند یکی از دلایل اصلی افزایش شکار، جنگل‌خواری و قاچاق چوب هم به دلیل نبود سیستم حمایتی از جنگلبان‌ها است. حتی در حوزه تعداد این افراد هم ما فاصله معناداری با استانداردهای جهان داریم. کمبود نیروی انسانی از جمله مشکلات است که نه تنها سبب فرسایشی شدن شغل جنگلبانی در ایران شده بلکه حفاظت از جنگل‌های ایران را هم با مشکلاتی مواجه کرده است. آن‌طور که از حرف‌های مسوولان این حوزه می‌توان متوجه شد بر اساس استانداردهای رایج جهانی به ازای هر هزار هکتار جنگل به طور متوسط یک جنگلبان وجود دارد اما در ایران در مقابل هر ۴۰ هزار هکتار عرصه طبیعی یک جنگلبان فعالیت می‌کند. آخرین آمارها حکایت از فعالیت حدود ۳۰۰۰ نیروی جنگلبان در عرصه‌های طبیعی دارد و این درحالی است که عرصه‌های طبیعی در کشور ما ۱۳۶ میلیون هکتار وسعت دارد.

در حالی حدود ۳۰۰۰ نیروی جنگلبان در عرصه‌های طبیعی می‌کنند که عرصه‌های طبیعی در کشور ما ۱۳۶ میلیون هکتار وسعت دارد، عکس: فارس



اولویت‌های دولت سیزدهم برای حفظ جنگل‌های کشور چه باید باشد؟

قانون برای جنگل



میثم اسماعیلی

جامعه

تأیید از انتخاب رئیس‌جمهور، پرنرنگ‌ترین اشاره نامزدی انتخابات ریاست جمهوری به وضعیت جنگل‌ها مربوط می‌شد به اظهار تاسف یکی از آنها از حریق جنگل‌های زاگرس در یک تئویت چند کلمه‌ای. وضعیت معیشت مردم در روزگار کنونی جای زیادی برای گلاب به نامزدی‌های انتخاباتی در این زمینه نمی‌گذارد اما بدون شک پس از پایان فعالیت دولت دوازدهم دولت آینده باید در زمینه جنگل‌ها هم صاحب ایده و برنامه‌ای باشد و اولویتی در تصمیم‌ها و سیاست‌هایش داشته باشد. برای فهم کامل این موضوع البته لازم است به بررسی کنونی وضعیت جنگل‌ها و مراتع و البته عرصه‌های طبیعی هم بپردازیم اما آنچه در این گزارش از کارشناسان این حوزه پرسیدیم معطوف به اولویت‌های اولیه دولت آینده در این زمینه است چرا که خواه ناخواه با فهرست این اولویت‌ها به جایگاه کنونی وضعیت جنگل‌ها هم اشرافی حداقلی پیدا می‌کنیم. نمایه‌هایی این گزارش کوتاه اما حکم به نامطلوبی جایگاه ما می‌دهد، اینکه در زمینه حفظ و نگهداری از جنگل‌ها هم نتوانستیم در نقطه مطلوبی باشیم و شتاب تخریب در پوششی به نام توسعه اقتصاد زیاد است که اگر فکر برنامه‌ای برای آن نداشته باشیم رد همین اندک سرمایه موجود را هم دیگر برباید در عکس‌های خانوادگی سفرهایمان بگیریم و پس از همان ابتدای گزارش، تصور اولیه بر این بود که با فهرستی جزئی از برنامه‌هایی روبه‌رو خواهیم شد که در کلام کارشناسان باید اولویت بالاتری داشته باشند اما در نهایت متوجه شدیم فعالیت اجرایی و کاربردی در این حوزه منوط به تغییر نگرش اساسی در این حوزه است و آن‌طور که کارشناس جنگل به ما می‌گویند دولت آینده باید در ابتدا نگاهش به عرصه‌های طبیعی را از اساس تغییر دهد، کاری دشوار که عدم انجاش به از میان رفتن پوششی طبیعی به نام جنگل خواهد انجامید.

اولویت اول: لزوم جنگل‌ها را باور کنیم

تلخ است این نکته که در زمانه حاضر به سیاستگذاران و دولتمردان بگویم پیش از اخذ هر تصمیمی و اجرای هر سیاستی باور کنید که وجود جنگل‌ها به مفهوم وجود حیات و زندگی ساکنان ایران زمین است اما این حقیقت تلخ وجود دارد و آنقدر آشکار است که حتی در صدر فهرست اولویت‌های مورد درخواست کارشناسان این حوزه از دولت آینده قرار دارد. کاظم نصرتی نصرآبادی، کارشناس جنگل معتقد است اساسا محیط‌زیست و منابع طبیعی جزو موارد فراموش شده دولت‌هاست. او به جام‌جم می‌گوید: «با وجود اینکه عرصه‌های منابع طبیعی بستر زندگی است ولی فراموش شده و از دید کلان دولت‌ها در اقتصاد، بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی کلان کشور جایگاه مناسب خود را نداشته و ندارد.» مصداق این فراموشی تاریخی از نگاه این کارشناس «فهم اشتباه ما از معنای توسعه» عنوان می‌شود. او معتقد است ما از ابتدا با شعار توسعه دست به تخریب عرصه‌های جنگلی و منابع طبیعی زده‌ایم و «نتیجه این رویکرد این شده که ما اراضی کشاورزی حاصلخیز را از دست دادیم و تبدیلیشان کردیم به محلی برای ساخت و ساز.»

توسعه در تضاد با عرصه‌های طبیعی است؟

اگر قائل باشیم که حوضه آبخیز یک واحد یکپارچه است باید قبول کنیم که از همان ابتدا انتهای این حوضه باید تعادل و توازن برقرار باشد اما طی سال‌ها با رواج نهضت سدسازی تمام این یکپارچگی واحد حوضه‌های آبخیز را از بین برده‌ایم. نهضت سدسازی اما با پیوست پرنرنگی به نام توسعه صورت گرفته است. مشابه همین اتفاق در بسیاری دیگر از عرصه‌های طبیعی تکرار شده است، به نام معیشت دامداری در مراتع طبیعی را افزایش داده‌ایم و رویشگاه‌ها را از بین برده‌ایم به نام کشت اراضی شیب‌دار جنگلی را واگذار کرده‌ایم و... اما سوال تاریخی و محوری در همین جا شکل می‌گیرد. اینکه آیا توسعه با منافع طبیعی در تضاد است؟ کاظم نصرتی نصرآبادی، کارشناس جنگل می‌گوید حفظ آب و خاک درست مثل حفظ مرزهای ایران اهمیت دارد. او معتقد است این مقوله از آنجا

هر روز اجازه استفاده از عرصه‌های طبیعی را گسترده‌تر می‌کند و سطح کشاورزی را افزایش می‌دهد. وضعیت منابع پایه از جمله جنگل‌های ایران بسته به پاسخ به همین پرسش است. کیادلیری می‌گوید: «این تصمیمی کلان است، شاید به همین دلیل است که ما با گذشت چهار دهه هنوز آمایش سرزمینی انجام نداده‌ایم. چون نتیجه این آمایش تناقض مهمی نشان می‌دهد. به این مفهوم که با آمایش سرزمین باید تن به تغییر کاربری بسیاری از این اراضی بدهیم و در بسیاری از جاها اجازه کشاورزی ندهیم.» آن‌طور که از حرف‌های رئیس پیشین انجمن جنگلبانی می‌توان متوجه شد اولویت‌های بعدی هر دولتی با مشخص شدن پاسخش به این سوال مهم شکل می‌گیرد و در صورت عدم رسیدن به نتیجه مشخص برنامه‌های دیگر در این زمینه کارایی لازم را نخواهد داشت.

برنامه و سیاست معقول

«سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی معقول و مبتنی بر واقعیت‌های کنونی طبیعت» همانقدر که خواسته‌ای بدیهی به نظر می‌رسد خواسته‌ای کلی است اما وقتی مصداق‌های این خواسته از زبان کارشناسان مطرح می‌شود متوجه می‌شویم چقدر برنامه‌های چند دهه اخیر پیرامون این موضوع با واقعیت‌های موجود در طبیعت در تضاد بوده است. باید بدانیم کاسته شده و حالا به جایی رسیده‌ایم که هر کمبودی را با استفاده از عرصه‌های طبیعی جبران می‌کنیم. کاظم نصرتی می‌گوید: «وقتی این اهمیت کاهش یافت سیاست‌های غلط بسیاری روی طبیعت پیاده شد. مصداق‌های این سیاست‌های اشتباه بسیار است از اجرای طرح طوبی توسط وزارت جهاد کشاورزی بگیرد تا واگذاری اراضی شیب‌دار برای توسعه باغات که همه آنها به تخریب عرصه‌های طبیعی ختم شد.» این کارشناس جنگل معتقد است تأثیرات بلندمدت این سیاست‌ها آنقدر زیاد است که حتی ما مجبور خواهیم شد برخی از زیستگاه‌هایمان را تخلیه کنیم.

این نکته در اعلام اولویت مورد اشاره هادی کیادلیری هم قرار گرفته است. او هم معتقد است اولویت مهم دولت آینده باید «جراحی ساختاری» در این حوزه باشد. او به جام‌جم می‌گوید: «در حال حاضر منابع طبیعی و جنگل‌ها زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی قرار دارد به این مفهوم که وزارتخانه‌ای که به دنبال تولید و کشاورزی است هیچ همخوانی با اداره‌ای که به دنبال حفظ منابع طبیعی است ندارد در واقع می‌توان گفت این دو نهاد به شکل مشخصی تضاد منافع دارند.»

ندارد و وضعیت کنونی مادر عرصه‌های پایه خود گویای چنین ذهنیتی است. هادی کیادلیری، رئیس پیشین انجمن جنگلبانی هم معتقد است دولت آینده پیش از هر اقدامی در زمینه جنگل‌ها باید تکلیفش را با یک پرسش مهم و محوری مشخص کند. او این پرسش را «یک تغییر کلان» و مهم می‌داند. کیادلیری به جام‌جم می‌گوید: «باید مشخص شود توسعه کشور روی دوش کدام بخش است. در حال حاضر توسعه در بخش کشاورزی قرار دارد و هر چند به دلیل مباحثی همچون امنیت غذایی، کشاورزی اهمیت بالایی دارد اما از آنجایی که کشاورزی پاسخگوی این توسعه نیست بار اصلی این بخش روی دوش منابع طبیعی افتاده است. از استفاده بی‌رویه آب‌های زیرزمینی بگیرد تا قوانین بسیاری که

که بستر حیات و زندگی ما را تشکیل می‌دهد باید جزو اولویت دولت‌ها باشد. او به جام‌جم می‌گوید: «حفظ منابع طبیعی مانع توسعه نیست، به این مفهوم که بر خلاف باور بسیاری توسعه هیچ تضادی با منابع طبیعی ندارد. توسعه و حفظ محیط‌زیست در هر کشوری در امتداد یکدیگر قرار دارند. کشوری توسعه یافته که منابع طبیعی توسعه یافته‌ای داشته باشد. اولویت ابتدایی هر دولتی در این زمینه باید ارجح قرار دادن همین مفهوم باشد.

توسعه به عهده چه کسی است؟

هنوز در بدنه نظام مدیریتی ایران سخت است پذیرفته شود که توسعه را می‌توان با حفظ منابع پایه و طبیعی ایران شکل داد. این گزاره نیازی به آمار و داده و نمودار

وقتی اعتقادی به طرح نداریم

اولویت دیگر دولت آینده در نگاه هر دو کارشناس مشترک است. هادی کیادلیری معتقد است باید راه ورود کارشناس جنگل را به حوزه مدیریتی باز کرد. او از این انتقاد دارد که مدیران کنونی اغلب با رابطه وارد شده‌اند و حتی در اجرای طرح‌های موثری همچون «تنفس جنگل» به دلیل نبود درک درست، کارایی لازم را نداشتند. کاظم نصرتی هم وجود طرح و اجرا و عملیات را لازم می‌داند و معتقد است آنقدر خلأ این موضوعات آشکار است که باید در اولویت دولت آینده قرار بگیرد.

در حال حاضر ما پنج منطقه روشنی در کشور داریم. در راس آنها جنگل‌های شمال قرار دارد، پس از آن ارسباران، زاگرس، مانگروهای خلیج فارس و منطقه ایران - تورانی که در نواحی مرکزی ایران قرار دارد. قانون به صراحت عنوان کرده که عرصه‌های جنگلی باید بر اساس طرحی اداره شود که سازمان جنگل‌ها تهیه کرده و توسط خود این سازمان یا افراد حقیقی و حقوقی و شرکت‌هایی که توسط این سازمان تأسیس شده‌اند اجرا شود. کاظم نصرتی، کارشناس جنگل می‌گوید: «ما در این چند دهه نتوانستیم این عرصه‌ها را تحت پوشش طرح قرار بدهیم. در ارسباران و زاگرس طرح‌های پراکنده‌ای تهیه شد که پیش و از پایی درستی روی آن صورت نگرفت و کار به جایی رسیده که در حال حاضر استان‌هایی که ۴۵ تا ۵۰ درصد منابع آبی کشور را شامل می‌شدند حالا با تانکر به آنها آبرسانی می‌شود!» به گفته او تهیه طرح برای جنگل‌های شمال ایران از اواخر دهه ۳۰ آغاز و طرح‌هایی هم عملیاتی شد و این طرح‌ها هم به طور نسبی موفقیت آمیز بود. همین طرح‌ها که قابل پیش و ارزیابی و مدیریت بود در سال ۹۵ با یک مصوبه مجلس تعطیل و رها شد! آن‌طور که از حرف‌های این کارشناسان می‌توان متوجه شد امروزه جنگل‌های شمال ایران به نوعی رها شده و به جز یک برنامه حفاظتی محدود (طرح تنفس جنگل) طرحی برای حفظ و نجات آنها وجود ندارد. نصرتی می‌گوید: «نتیجه این رویکرد منجر به این اتفاق شده که کارشناسان جنگل ما از این عرصه‌ها خارج شده‌اند و وظیفه حراست به یک عده قریبان و جنگل بانانی سپرده شده که تعداد آنها هم با استانداردهای معمول جهانی فاصله معناداری دارد.»

جوابیه

در پی درج پیامی یکشنبه ۱۴۰۰/۰۲/۰۵ با عنوان «عملیات نیمه‌کاره مسیر دوچرخه‌سواری در خیابان هاتف» مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۱ تهران با ارسال نمایی اعلام کرد: پروژه توسعه پیاده‌رو کوچه هاتف با هدف ایجاد مسیر امن برای تردد ساکنین و با درخواست شورایاری محله شیخ‌هادی طراحی و ایجاد شده و طبق بررسی میدانی انجام شده اکثریت ساکنین کوچه هاتف دارای پارکینگ بوده و احتمالا یک ساختمان بدون پارکینگ است؛ لذا با توجه به تأییدیه پلیس راهور منطقه ۱۱، پارک خودرو در ضلع شمال گذر مذکور مجاز است و مشکلی بابت تردد و پارک خودروها در شمال محور مذکور متصور نمی‌باشد. لازم به ذکر است پروژه مذکور در دو فاز پیش‌بینی شده که فاز اول از تقاطع خیابان شیخ‌هادی تا خیابان محمدبیک سال ۱۳۹۹ اجرا شد و فاز دوم از خیابان محمدبیک تا خیابان حافظ ان‌شا... بعد از تأمین اعتبار و انتخاب پیمانکار مربوطه در سال جاری اجرا خواهد شد.